

تجزیه و تحلیل سیاستی سازوکارهای توسعه و ثبات مالی بانک نگارای مالزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



کیومرث اشتریان*

حامد روشن**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۴

چکیده

رشد اقتصادی یک کشور تابعی از عوامل مختلف است. رشد جمعیت، نرخ تورم، میزان هزینه‌های دولتی، مقدار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی، مقدار سرمایه‌گذاری خارجی و فاکتورهایی از این قبیل، از جمله این موارد هستند. این پژوهش به بررسی سیاست‌های بانک مرکزی مالزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد توسعه و ثبات مالی و رشد اقتصادی می‌پردازد.

افزایش ثبات و توسعه در بخش بانکی، آموزش عموم افراد در نحوه استفاده از خدمات مالی، آموزش کافی به مدیران و کارمندان بنگاه‌های مالی، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، توسعه و حمایت از صنایع کوچک و متوسط، گسترش مالیه خرد، مقابله با پولشویی، نظارت و توسعه در صنعت بیمه، توسعه بانکداری اسلامی و توسعه و ارتقای سیستم‌های پرداخت از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه و ثبات مالی هستند. در این پژوهش برخی از این متغیرها در ایران و مالزی با روشی کیفی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: بانک مرکزی، ثبات مالی، رشد اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: G00, G21, O43

ashtrian@ut.ac.ir

hamed.roshan62@gmail.com

* دانشیار سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران

مقدمه

سیاست پژوهی سنتی مطالعاتی در حوزه سیاستگذاری عمومی است که با تمرکز بر یک حوزه خاص به مطالعه خرد ابعاد و پیامدهای یک سیاست می پردازد. ادبیات سیاستگذاری عمومی دامنه گسترده ای از چنین سیاست پژوهی هایی را در بر می گیرد و در این راستا از شمار متنوعی از ابزارهای تحلیلی و ارزیابانه بهره برداری می کند؛ از تجزیه و تحلیل حقوقی گرفته تا اقتصاد مهندسی، تجزیه و تحلیل هزینه فایده، تحلیل مدیریتی و...^(۱)

در این پژوهش با تمرکز بر این سنت مطالعاتی به بررسی سیاست های بانک مرکزی مالزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می پردازیم. بدینسان، این مقاله حول این پرسش ساماندهی شده است که چه سیاستهایی توسط بانک مرکزی مالزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد رشد و توسعه اقتصادی در پیش گرفته شده است؟

توسعه و حمایت از صنایع کوچک و متوسط، گسترش صنعت مالی خرد، مقابله با پولشویی، توسعه صنعت بیمه و توسعه و ارتقای سیستم های پرداخت مواردی هستند که در پاسخ به این پرسش مورد توجه قرار می گیرند.

یکی از یافته های مهم این مطالعه این است که برخلاف کشورهای چوچون ایران، در واقع بانک مرکزی مالزی به اعمال مقررات کلی بسنده نکرده است و در حوزه هایی خردتر وارد شده است برای مثال می توان به این امر اشاره کرد که برای حمایت از حقوق مشتریان صنعت بیمه، بانک مرکزی مالزی در سال ۲۰۰۰، واحد بررسی و هدایت بازار را راه اندازی کرده است. از اهداف اصلی این واحد ارتقاء امنیت بازار برای شرکتهای بیمه و کارفرمایان می باشد. چارچوب نظارتی



برای بررسی عملکردهای بازاری شرکتهای بیمه نیز در قالب این واحد عمل می‌کند. به عنوان مثال دیگر می‌توان از سیستم محافظتی بیمه و تکافل یاد کرد که وظیفه آن حمایت از سود سهامداران و ارتقا اعتماد عمومی به صنعت بیمه و تکافل است.

مالزی به عنوان یک کشور اسلامی رشد قابل توجهی را در چند دهه اخیر تجربه کرده است. این رشد سریع مرهون عوامل مختلفی است که برنامه ریزی و سیاستگذاری دقیق و متمرکز پایه و اساس آن را تشکیل می‌دهد. در حوزه اقتصادی این کشور با گسترش و تعمیق نظام مالی ضمن جذب سرمایه‌های خارجی در بهینه سازی و توزیع سرمایه‌های داخلی به گونه‌ای موفق عمل کرده است. نکته مهم در ساختار اقتصادی مالزی وجود نظام مالی توانمند و جامع در این کشور است که در تخصیص و تحرک پذیری سرمایه‌ها نقش بارزی داشته است.

به همین منظور در این پژوهش به بررسی ساز و کارهای سیاستگذارانه بانک مرکزی مالزی به عنوان اصلی‌ترین نهاد برنامه ریز و تصمیم گیر در حوزه مالی پرداخته ایم و ضمن توجه به تفاوت‌های مختلف این نهاد با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به مقایسه عملکرد این دو نهاد پرداخته ایم.

در این پژوهش برخی واژه‌ها نقش کلیدی دارند که ارائه تعریف از آنها، به منظور ایجاد نگرش واحد در طول تحقیق ضروری به نظر می‌رسد:

۱. رشد اقتصادی: افزایش تولید ناخالص ملی یک کشور در یک سال نسبت به سال پایه رشد اقتصادی خوانده می‌شود. بنابراین رشد اقتصادی یک پدیده کمی است. «اگرچه بدیهی است که رشد اقتصادی برای توسعه مهم است، اما رشد اقتصادی همان توسعه نیست و به همین دلیل تعریف کردن توسعه به عنوان امری معادل رشد امری نادرست است.» (لفت و بیچ، ۱۳۸۵: ۵۶)

۲. توسعه اقتصادی: تغییرات کیفی در سطوح مختلف اقتصادی اعم از ترکیب و نحوه تولید و تخصیص منابع و... که همگام با سایر بخشهای سیاسی، اجتماعی رخ می‌دهد به توسعه اقتصادی تعبیر می‌شود. «به‌طور کلی، توسعه هم به فرایند گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، با ویژگیهای معین قابل تعریف است» (موتقی، ۱۳۸۷: ۲۵)

۳. توسعه مالی: این شاخص در برگیرنده متغیرهای مختلفی از جمله گسترش نهادها و خدمات مالی بانکی و غیر بانکی، گسترش بازارهای مالی و همینطور افزایش و سهولت دسترسی بنگاههای مختلف تولیدی و اقتصادی به منابع مالی تعریف می شود. «از جمله شاخصهای توسعه مالی می توان به ارزش روز سرمایه در بازار سهام، گردش مالی بازار سهام، اعتبارات بانکی (هر سه نسبت به تولید ناخالص داخلی) تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس، ذخایر شرکتهای بیمه و... اشاره کرد.» (پوررستمی به نقل از دیویس، ۱۳۸۹: ۲۲۸)

۴. ثبات مالی: به معنای وجود ثبات در بخشهای مختلف مالی یک نظام مالی است که ضمن ارتباط تنگاتنگ با توسعه مالی مفهومی متفاوت است. توسعه مالی در بخشهای مختلف از جمله در نظامهای پرداخت، بیمه و صنایع کوچک و متوسط... زیر بنای ثبات مالی است.

۵. نهادهای مالی غیر بانکی: به تمام نهادهای مالی غیر از بانک از جمله بورس، انواع بیمه ها، صندوق های بازنشستگی، صندوق های سرمایه گذاری مشترک، بنگاههای اعتباری و... که خدمات مالی ارائه می دهند نهادهای مالی غیر بانکی گفته می شود.

۶. تکافل: خدمات بیمه ای که در چارچوب موازین شرعی و فقهی ارائه می شود، تکافل خوانده می شود.

۳. پیشینه پژوهش

جیمز بی انگ از اساتید دانشگاه ملی استرالیا در سال ۲۰۰۷ در مقاله ای با عنوان عمق مالی و توسعه اقتصادی در مالزی به رابطه بین این دو مؤلفه پرداخت. این تحقیق که در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است، تصریح می کند که بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۳، توسعه مالی بر توسعه و رشد اقتصادی در مالزی تأثیر مثبت داشته است. وی بر پایه نظریه رشد نئوکلاسیکها اذعان می کند که توسعه مالی، به همراه ذخایر سرمایه ای بخش خصوصی و همین طور گسترش نیروی کار، بر رشد اقتصادی مالزی اثرگذار بوده است.

این پژوهشگر استرالیایی در مقاله ای دیگر که در همین سال منتشر کرد به

بررسی مکانیسم تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی مالزی پرداخت. وی شش عامل توسعه مالی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارتباط بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و همین‌طور انباشت خروجی^۱ را مورد بررسی قرار داد. وی در پایان به این نتیجه رسید که توسعه مالی بر افزایش نرخ تولید ناخالص داخلی در مالزی تأثیر مثبت داشته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که میزان پس‌انداز بخش خصوصی و همین‌طور سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به توسعه مالی این کشور وابسته است. همچنین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، با افزایش اعتبارات بانکی و توسعه مالی روند صعودی خواهد داشت. نتایج این تحقیق تصریح کرد که رفتارها و تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز به شکل بارزی تحت تأثیر سطح توسعه مالی مالزی است. علاوه بر این، بررسی رابطه بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نشان داد که در طول زمان، پس‌انداز داخلی و همین‌طور نرخ سرمایه‌گذاری در مالزی همگام با یکدیگر حرکت می‌کنند. موارد فوق مسائلی هستند که توسعه مالی از طریق آنها با مکانیسم انباشت سرمایه در رشد اقتصادی مالزی تأثیرگذار بوده است. انباشت خروجی که بر پایه مدل رشد نئوکلاسیک‌ها مورد کنکاش قرار گرفت، نشان داد که توسعه مالی از طریق تسهیل انطباق تکنولوژی‌های جدید در رشد مالی این کشور مؤثر بوده است.

«در اصل در چنین شرایطی بهبود و توسعه نظام مالی می‌تواند رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد که این تأثیرگذاری از طریق دو مسیر انجام می‌شود: مسیر تجمع سرمایه و مسیر بهره‌وری.

مجرای اول به‌عنوان یک مجرای کمی شناخته می‌شود که بر این اساس می‌توان گفت که رشد اقتصادی به تجمع سرمایه داخلی و خارجی نیازمند است. برای تحرک‌پذیری سرمایه‌ها و کانالیزه کردن آنها نیاز به یک نظام مالی توانمند است. مسیر بهره‌وری به‌عنوان یک کانال کیفی در قالب ایجاد تسهیلات اعتباری کارآمد و سایر خدمات مالی شناخته می‌شود. در چنین شرایطی نظام مالی کارآمد در توسعه صنایع دانش‌بنیان و تکنولوژی‌محور، نقش بارزی خواهد داشت.» (Ang, 2008).

1. Aggregate Output

تأثیر توسعه نهادهای مالی غیربانکی^۱ بر رشد اقتصادی مالزی عنوان پژوهشی است که محمد آمینو اسلام و جمیل بین آسمان (از پژوهشگران دانشگاه‌های اسلامی بین‌المللی و کالج اینسانیا مالزی) در سال ۲۰۰۹ منتشر کردند. این مقاله یک تحقیق تجربی برای بررسی تأثیر توسعه نهادهای مالی غیربانکی در رشد اقتصادی مالزی بین سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۷۴ انجام داد، که وجود رابطه مثبت بین این دو عامل را تصدیق نموده است.

لیان‌های و همکارانش از پژوهشگران چینی در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۰ به بررسی رابطه توسعه بیمه و رشد اقتصادی پرداختند. در این مقاله اطلاعات ۷۷ کشور بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفت. مالزی از جمله این کشورها بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که توسعه بخش بیمه (شامل بیمه عمر و سایر انواع بیمه) در کشورهای در حال توسعه تأثیرگذاری بیشتری در رشد اقتصادی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته دارد.

در بولتن اقتصادی سال ۲۰۱۰ آسه.آن، مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه بین وجوه و سرمایه‌های بیمه عمر و رشد اقتصادی: مطالعه موردی مالزی»، منتشر شده است. در این پژوهش که توسط **موری کاگید** و همکارانش صورت گرفته، تصریح شده است که بخش بیمه عمر مالزی به‌عنوان یک بخش مالی مهم در افزایش پس‌انداز و در نهایت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری عمل می‌کند و از این طریق موجب تقویت رشد اقتصادی این کشور می‌گردد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص بیمه عمر (مجموعه سرمایه‌های بخش بیمه عمر) رابطه مثبتی با افزایش نرخ تولید ناخالص داخلی^۲ دارد.

«آیا توسعه بیمه به رشد اقتصادی کمک می‌کند؟» عنوان پژوهشی است که آقایان **صمیمی و کاردگر** در سال ۱۳۸۵ در فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی منتشر کردند و در آن به بررسی رابطه علی بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران بین سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۸۲ از دیدگاه تجربی پرداختند. در چارچوب نظری این پژوهش سه دسته نظریه مطرح شده است. نظریه‌هایی که مؤید تأثیر مثبت توسعه صنعت

1. NBFIs

2. GDP

بیمه بر رشد اقتصادی است (نظریه رهبری عرضه)، نظریه‌هایی که تأییدکننده تأثیر رشد اقتصادی بر توسعه بیمه است (نظریه‌های تعقیب تقاضا) و نظریه لوکاس (۱۹۸۸) که توسعه بیمه در رشد اقتصادی را مهم نمی‌داند.

در پایان این تحقیق تجربی، وجود رابطه علی بین گسترش بیمه‌های زندگی و رشد اقتصادی مورد تأیید قرار گرفت، ولی رابطه علی بین توسعه بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی تأیید نشد. به عبارت دیگر برای بیمه‌های زندگی، سازگاری با دیدگاه شومپتر (۱۹۱۱)، و برای بیمه‌های غیرزندگی، سازگاری با دیدگاه لوکاس (۱۹۸۸) برقرار است.

تورستن بک از پژوهشگران بانک جهانی به همراه همکارانش پژوهشی با عنوان «بنگاه‌های کوچک و متوسط، رشد و فقر، مطالعه بین‌کشوری» انجام دادند. در این مقاله که در سال ۲۰۰۵ در مجله رشد اقتصادی انتشار یافت رابطه بین اندازه بنگاه‌های کوچک و متوسط، رشد اقتصادی و کاهش فقر در ۴۵ کشور مورد بررسی قرار گرفته است. براساس یافته‌های این تحقیق بین تعداد و اندازه بنگاه‌های کوچک و متوسط و همین‌طور میزان درآمد سرانه این کشورها رابطه مثبت وجود دارد. در این تحقیق سعی شده تا ارتباط بین توسعه مالی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی به شکل کیفی در نمونه‌ای از دولت‌های توسعه‌گرا و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

۴. مبانی نظری

۴-۱. توسعه مالی و رشد اقتصادی

ارتقاء زندگی انسان و دستیابی به رشد و توسعه روزافزون از جمله مهم‌ترین موارد مورد توجه کارشناسان اقتصادی و از بزرگ‌ترین اهداف سیاست‌گذاران کلان اقتصادی کشورها بوده است. تا مدت‌های زیادی این اعتقاد وجود داشت که نهادهای مالی، تمایز بین کشورهای مختلف در رشد و توسعه اقتصادی را توضیح نمی‌دهند. اما در نظریات اخیر نهادهای مالی نقش پررنگ‌تری در تأمین مالی و ایجاد رشد و توسعه اقتصادی پیدا کردند.

نهادهای مالی با شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع،

در تسریع رشد اقتصادی کشورها نقش پررنگی ایفا می‌کنند. «در اکثر نقاط دنیا، معمولاً واسطه‌های مالی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری را ارزیابی می‌کنند، منابع لازم برای تأمین مالی پروژه‌های خوش آتیه را فراهم می‌سازند و مدیریت ریسک را تسهیل می‌کنند. بر این اساس می‌توان مدعی شد که خدمات مالی بهتر، باعث توسعه قلمرو فعالیت‌های ابداعی (که همواره فعالیت‌های پرمخاطره و ریسکی هستند) شده و کارایی این فعالیت‌ها را بهبود می‌بخشد و از این طریق موجب رشد اقتصادی می‌شود. در مقابل، عدم توسعه مالی باعث کاهش خدماتی می‌شود که نظام مالی می‌تواند برای پس‌اندازکنندگان، کارآفرین‌ها و تولیدکنندگان فراهم کند و بنابراین به مانعی جدی در برابر فعالیت‌های ابداعی تبدیل شده و از شتاب رشد اقتصادی بکاهد.» (پوررستمی، ۱۳۸۹: ۱۲)

در تأیید نظریات شومپتر در دهه ۱۹۷۰ پژوهش‌های بسیاری انجام شد. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آنست که: «سرمایه‌گذاری وابسته به پس‌اندازهای تجمیع‌شده در بانکها می‌باشد. چنین نقش تکمیلی بین پول و سرمایه‌گذاری فیزیکی، کاملاً ملوس می‌باشد.» (Mckinon, 1973)

«نهادهای مالی از طریق افزایش فعالیت‌های استقراض، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و رشد و افزایش خروجی نهایی نظام اقتصادی می‌شوند.» (Shaw, 1973)

این پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که توسعه مالی یکی از ملزومات رشد و توسعه اقتصادی است. در نقطه مقابل این دیدگاه نظریه رایبسون (۱۹۵۲) قرار دارد که معتقد است «توسعه مالی، نمی‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود. زمانی که نظام اقتصادی توسعه پیدا می‌کند، بخش‌های مختلف اقتصادی تقاضای گسترده‌تری برای خدمات مالی خواهند داشت. در پاسخ به این تقاضای روزافزون، بنگاه‌ها و خدمات مالی بیشتری ظهور پیدا می‌کند.» (Ang, 2008)

البته دیدگاه سومی نیز در این حوزه وجود دارد که وجود رابطه علی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی را چندان مورد تأیید قرار نمی‌دهد. بر این اساس کشورهای که دارای رشد سریعی هستند، نظام‌های مالی توسعه‌یافته‌تری را ایجاد می‌کنند به‌گونه‌ای که بحث تقدم و تأخر را نمی‌توان در مورد آنها لحاظ کرد. «در این

صورت مشاهده یک نظام مالی عمیق در چنین کشورهایی نمی‌تواند بیانگر قدرت تأمین مالی برای فراهم کردن زمینه رشد باشد». (پوررستمی به نقل از هونوهان، ۱۳۸۹: ۲۴)

اما همان‌گونه که گفته شد بسیاری از پژوهشگران بر اثر مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند. «با توسعه بیشتر بخش مالی، منابع بیشتری به بخش‌های مختلف اقتصادی تخصیص می‌یابند و سرمایه‌های بیشتری می‌توانند به کمک رشد اقتصادی بشتابند». (Furquni et al, 2009)

بسیاری از مطالعات تئوریک و تجربی بر تأثیر مثبت توسعه و ثبات مالی بر رشد اقتصادی تأکید دارند. نحوه تأثیر این فرایند از طریق سازوکارهای مشخصی است. «این سازوکارها عموماً شامل انباشت سرمایه و بازدهی مطلوب است. بخش نخست مربوط به حجم سرمایه‌گذاری و قسمت دوم در ارتباط با اثربخشی سرمایه‌گذاری است». (Ang, 2007)

نتایج حاصل از بررسی‌های تجربی انجام‌شده بر این نکته اذعان دارد که هر دو سازوکار مرتبط با توسعه و ثبات مالی در رشد اقتصادی اثرگذارند. اما نحوه اثرگذاری آنها با توجه به میزان توسعه کشور، متفاوت است.

به‌طورکلی در مطالعات انجام‌شده راجع به ارتباط بین توسعه و ثبات مالی و رشد اقتصادی بر ۴ فرضیه تأکید شده است. عدم وجود رابطه، رابطه عرضه‌محور، رابطه تقاضامحور و رابطه فیزیکی شامل این موارد هستند.

رابینسون (۱۹۵۲) این فرضیه را ارائه می‌دهد که توسعه مالی تا حد زیادی بخش تقاضای نظام اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کینگ و لوین (۱۹۹۳) تأکید می‌کنند که خدمات ارائه‌شده توسط نهادهای مالی از جمله تحرک‌پذیری سرمایه‌ها، ارزیابی پروژه‌ها، مدیریت ریسک، تسهیل معاملات برای نوآوری تکنولوژیک و توسعه اقتصادی نقش حیاتی دارد. نظریه مدرن در غالب تر رابطه عرضه‌محور، مربوط به **مک کینون (۱۹۷۳)** و همین‌طور **شاو (۱۹۷۳)** می‌باشد. این نظریه تأکید دارد که بخش مالی تأثیر بسزایی در بخش واقعی اقتصاد دارد. مطالعات تجربی زیادی نیز در این مورد انجام شده است که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: کینگ و لوین (۱۹۹۳)، روسو و واچتل (۲۰۰۳) و

۲۰۰۰ و ۱۹۹۸)، نیوسروکاگلر (۱۹۹۸)، انصاری و احمد (۱۹۹۸) لوین و دیگران (۲۰۰۰) بک و دیگران (۲۰۰۰)، آمبا (۲۰۰۳)، کریستومپلوس و تسیونا (۲۰۰۴) و موارد دیگر.

تئوری پاتریک (۱۹۹۶) بر رابطه دوجانبه بین رشد اقتصادی و رشد و توسعه مالی تأکید دارد. این تئوری بر پایه نظریات یکی از پیشگامان عرصه نظریه پردازی در حوزه توسعه اقتصادی یعنی لوئین (۱۹۵۵) ارائه شد. لوئین بر وجود یک رابطه دوجانبه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی تأکید داشت. بر این اساس، پاتریک این ایده را مطرح می‌کرد که در مراحل اولیه توسعه، توسعه مالی نقش مهم‌تری در رشد اقتصادی دارد (رویکرد عرضه‌محور) حال آنکه در زمان بلوغ و تکامل رشد اقتصادی، این تأثیرات جنبه معکوس پررنگ‌تری خواهد داشت و رشد اقتصادی تأثیر بیشتری در توسعه و تکامل مالی دارد.

سناحجی (۲۰۰۰)، بک و دیگران (۲۰۰۰) و دجورجیو و گویدوتی (۱۹۹۵) براساس مطالعات تجربی نشان داده‌اند که توسعه و ثبات مالی از طریق افزایش بهره‌وری، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ریوجا و والو در سال ۲۰۰۴، مکانیسم‌هایی که از طریق آنها توسعه مالی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد را مورد بررسی قرار دادند. تحقیق آنها مشتمل بر ۷۴ کشور در فاصله بین سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۵ گردید. نتایج بررسی آنها نشان داد که هر ۲ کانال (بهره‌وری و انباشت سرمایه) در رشد اقتصادی اثرگذارند، ولی در مراحل اولیه رشد و در کشورهای کمتر توسعه‌یافته فاکتور انباشت سرمایه و در کشورهای توسعه‌یافته‌تر بهره‌وری تأثیر بیشتری دارند.

به غیر از مطالعات انجام‌شده درباره تأثیر توسعه بخش بانکی، در مورد توسعه بازارهای بورس و نحوه تأثیر آن بر توسعه و رشد اقتصادی نیز مطالعاتی انجام شده است. مطالعات تجربی انجام‌شده عموماً بر وجود یک رابطه مثبت بین توسعه بازار سهام و رشد اقتصادی تأکید کرده است (برای مثال می‌توان به بک و لوین ۲۰۰۴، آرسطیس و دیمتریادس ۱۹۹۷، آرسطیس و دیمتریادس و لیونتل ۲۰۰۱، روسو و واجتل ۲۰۰۰، نیوسر و کاگلر ۱۹۹۸، لوین و زرووس ۱۹۹۸ و موارد دیگر اشاره کرد. (Islam and Osman, 2005)

۲-۴. توسعه نهادهای مالی

نهادهای مالی و نقش آنها در توسعه و رشد اقتصادی را در قالب بانکها و نهادهای مالی غیر بانکی می‌توان مورد بررسی قرار داد.

بانک‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین نهادهای مالی و رابط بین سپرده‌گذاران و سایر بخش‌های اقتصادی عمل می‌کنند و از این طریق این امکان را به‌وجود می‌آورند که سرمایه‌های کوچک و سرگردان، تجمیع شده و به‌سوی فعالیت‌های مفید اقتصادی هدایت شوند.

بانکها در هدایت دارایی‌ها به سمت فعالیت‌های تولیدی نقش بسیار زیادی دارند، به‌گونه‌ای که در تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی و همین‌طور ارائه خدمات مالی به آنها پیشگام هستند. در چنین سیستمی نقش نهادهای بانکی در افزایش درآمد ملی و رشد اقتصادی کاملاً واضح است. «توسعه بخش بانکی در ایجاد رشد اقتصادی تأثیر بسزایی دارد» (King and Levin, 1993).

از سوی دیگر نهادهای مالی غیربانکی نیز در ساختارهای نوین و پیچیده اقتصادی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

توسعه نهادهای مالی غیربانکی در گسترش بازارهای سرمایه اهمیت زیادی دارد. در اقتصادهای بازارمحور از قبیل امریکا و بریتانیا بازارهای سرمایه نقش حیاتی دارند. در این میان نقش نهادهای مالی غیربانکی به‌ویژه صندوق‌های بازنشستگی، بیمه و سرمایه‌گذاری، بنگاه‌های تضمین اعتبار بسیار خاص و پررنگ‌تر است. این نهادها نقش مهمی در افزایش سلامت بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که از طریق افزایش تقاضا برای سهام و اوراق قرضه و مدیریت سرمایه حرفه‌ای موجب افزایش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده بیشتر می‌شوند.

نهادهای مالی غیربانکی نقش مهمی در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند. بنگاه‌های کوچک و متوسط عموماً به‌دلیل ملزومات سخت بانک‌ها از جمله وثیقه‌های سنگین، دسترسی محدودی به تسهیلات بانکی دارند، از سوی دیگر دسترسی آنها به بازارهای سرمایه (بازار سهام و اوراق قرضه) نیز با مشکلات زیادی همراه است. نهادهای مالی غیربانکی با گسترش وام‌های خرد، کمک شایانی به ارتقای این بنگاه‌ها می‌کنند. (Kogid et al, 2010)

بیمه و صنعت مالی خرد، از جمله مهم‌ترین بخش‌های مالی غیر بانکی هستند که توسعه آنها نقش زیادی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند.

بازار بیمه به واسطه تضمین سرمایه‌ها و کاهش ریسک اقتصادی در رشد درآمد ملی تأثیر بسزایی دارد. «تأثیرات بازار بیمه بر ساختار اقتصادی را در این بخش‌ها می‌توان بیان کرد: ۱- ارتقای ثبات اقتصادی ۲- تسهیل تجارت و بازرگانی (به‌عنوان سستی‌ترین فعالیت بیمه‌ای) ۳- تحرک‌پذیری پس‌اندازهای داخلی ۴- مدیریت ریسک‌های مختلف از طریق تجمیع سرمایه‌ها (Skipper, 1997)

به نظر می‌رسد رشد صنعت بیمه به‌عنوان یکی از نهادهای واسطه‌ای مالی می‌تواند در افزایش رشد اقتصادی نقش مهمی داشته باشد. البته نهادهای مالی در بستری متعامل تعریف می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که برآیند فعالیت‌های آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف صنعت مالی خرد ایجاد یک کانال ارتباطی بین بانک‌ها، دولت‌ها و سایر قسمت‌های اعتباری با مردم، گروه‌های محروم و کوچک اجتماعی و همین‌طور صنایع کوچک است. این صنعت با تکیه بر سازوکارهای ابداعی سعی دارد ضمن آنکه بخش‌های محروم و کوچک اجتماعی (که فاقد امکاناتی مانند وثیقه و سایر شرایط برای استفاده از تسهیلات هستند) را به کانال‌های مالی متصل کند، از ایجاد مشکلات حاصل از عدم بازپرداخت (با استفاده از مجازات‌های پولی) جلوگیری کند.

در روش‌شناسی وام‌دهی گروهی، گروه چنین نقشی را ایفا می‌کند. از آنجاکه اعضای گروه موافقت می‌کنند که به هنگام عدم بازپرداخت یکی از هم‌گروه‌های خود مجازات‌های وی را به دوش بکشند، پس اعضای گروه این انگیزه را دارند که رفتار یکدیگر را زیر نظر بگیرند و به‌طور بالقوه می‌توانند کسانی را که پروژه‌های پرخطر را برمی‌گزینند، تهدید به مجازات‌های اجتماعی کنند. (پوررستمی به نقل از آرمیداز، ۱۳۸۹: ۲۰۰)

توسعه صنایع کوچک و متوسط به‌واسطه اشتغال‌زایی و افزایش صادرات یکی از ارکان اساسی رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه است و از این طریق نقش پررنگی در ثبات مالی این‌گونه کشورها ایفا می‌کند. این مسئله در مراحل نخستین

رشد و توسعه که صنایع کاربر، مزیت نسبی بالاتری دارند (به دلیل کاهش بیکاری و همین‌طور وجود نیروی کار ارزان‌قیمت) بسیار حائز اهمیت است. در چنین شرایطی حمایت‌های دولتی در غالب یارانه‌ها و سایر موارد از جمله مهم‌ترین نکات مورد توجه کارشناسان بوده است. حمایت‌های دولت معمولاً در قالب برنامه‌های مختلف از جمله تأمین منابع مالی، ارئه تسهیلات، زمین، ساختمان و ارائه اطلاعات درباره بازار و تخفیف‌های مالیاتی صورت می‌گیرد. (Hashim, 2000)

یکی از مهم‌ترین خطراتی که ثبات مالی کشورهای در حال توسعه را تهدید می‌کند، پدیده پولشویی است. پولشویی آثار بسیار مخربی بر ساختارهای اقتصادی و بازارهای مالی دارد به گونه‌ای که بر جریان‌ات سرمایه، توزیع درآمد و ثبات اقتصادی تأثیرات نامطلوب بسیاری دارد؛ از جمله اینکه عملیات بازارها را مختل می‌کند؛ معاملاتی که برای مقاصد پولشویی انجام می‌گیرد تقاضا برای نقدینگی را افزایش می‌دهد؛ نرخ بهره و مبادله را بی‌ثبات می‌کند؛ به رقابت غیرعادلانه منجر می‌شود و تورم را در کشورهای تبهکاران فعالیت‌های تجاری خود را انجام می‌دهند به شدت افزایش می‌دهد. پولشویی اعتبار و در نتیجه ثبات بازارهای مالی را از بین می‌برد، به شکلی که نظام بانکی در نتیجه جرایم سازمان‌یافته اعتبار خود را از دست می‌دهد، تمام سیستم مالی کشور حتی نظام مالی منطقه مورد نظر دچار آسیب جدی می‌شود. کشورهای کوچک‌تر در برابر پولشویی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. پولشویی بر توزیع درآمد نیز اثرگذار است؛ فعالیت‌های مجرمانه و پولشویی منجر به تغییر جهت درآمدها از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به سوی سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت خطرناک و زوبازده در بخش تجاری می‌شود، و در این بخش با توجه به رواج فرار مالیاتی اثر زیان‌آوری بر اقتصاد کلان و برنامه‌ریزی بلندمدت خواهد گذاشت. (بیابانی، ۱۳۸۹) در چنین شرایطی ایجاد ساختارهای قانونی جامع و همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با این پدیده و آثار سوء سیاسی و اقتصادی آن بیش از پیش مشخص است. «در دو دهه اخیر با توجه گسترش پدیده پولشویی و تبدیل آن به یک پدیده بین‌المللی و نگرانی در مورد نبود قوانین ملی مؤثر برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و شستشوی عواید حاصل از آن، قوانین و پیمان‌نامه‌های جدید و تلاش‌های بین‌المللی قابل‌توجهی برای مبارزه با آن شکل گرفته است». (میرزاوند، ۱۳۸۲)

۵. تجزیه و تحلیل عناصر سیاستی بانک مرکزی مالزی (بانک نگارا)

۵-۱. وظایف و قوانین

بانک مرکزی مالزی در ۲۶ ژانویه ۱۹۵۹ در کوالالامپور تأسیس شد. براساس قانون، وظایف اصلی بانک نگارا شامل این موارد است:

۱. تنظیم و هدایت سیاست‌های پولی در مالزی؛
۲. رسیدگی به مسائل مربوط به پول رایج مالزی (رینگیت مالزی)؛
۳. رسیدگی و نظارت بر امور بنگاه‌های مالی تحت پوشش بانک مرکزی؛
۴. نظارت بر بازارهای پولی و مالی مربوط به ارزهای خارجی؛
۵. تنظیم امور سیستم‌های پرداخت؛
۶. ارتقاء استحکام و پیشرفت نظام مالی؛
۷. نگهداری و مدیریت ذخایر ارزی مالزی؛
۸. بهبود و ارتقاء نظام ارزی متناسب با شالوده‌های نظام اقتصادی؛
۹. عمل کردن به عنوان بانکدار، ناظر و درحقیقت عامل مالی دولت^۱ (BNM)

Report, 2009: 105)

۵-۲. ساختارهای سیاست‌گذاری پولی و مالی بانک مرکزی مالزی

کمیته سیاست‌گذاری پولی^۲، به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری بانک شناخته می‌شود. ریاست کمیته برعهده رئیس بانک است و قائم‌مقام‌های وی نیز در این کمیته عضویت دارند. ده دپارتمان تنظیمی و نظارتی تحت پوشش حوزه ثبات مالی بانک مرکزی فعالیت می‌کنند.

به منظور اجرای وظایف بانک نگارا در بخش ثبات مالی، بخش‌های مجزا با کارکردهای مشخص و در دپارتمان‌های مختلف شکل گرفته است. بنابر نوع و طبیعت تهدیدات مسائل مختلف در چارچوب ثبات نظام مالی، ارزیابی‌های سیاست‌گذارانه و توصیه‌های نهایی به وسیله یکی از ۱۰ دپارتمان تنظیمی و نظارتی تحت پوشش حوزه ثبات مالی بانک مرکزی انجام می‌شود.

1. Financial Adviser of Government
2. FSPC



مسائل ارجاع شده به بانک در بخش ثبات مالی، ابتدا در دپارتمان‌های خاص به لحاظ تکنیکی بررسی می‌شوند و پس از آن به منظور کنکاش و بررسی عمیق‌تر و همین‌طور تصویب دستورالعمل‌های موردنیاز به کمیته سیاست‌گذاری ثبات مالی^۱ منتقل می‌شوند. ریاست کمیته برعهده رئیس بانک مرکزی است و در آن قائم‌مقام‌های مدیرعامل نیز عضویت دارند. علاوه بر آن عده‌ای هم به‌عنوان دستیار در این کمیته براساس فرایندهای خاص خود انتخاب شده و مشغول به کار می‌شوند.

با اجرایی شدن قانون بانک مرکزی سال ۲۰۰۹، مسئولیت‌های کمیته مزبور در قالب سیاست‌های احتیاطی کلان و خرد افزایش می‌یابد. به‌ویژه آنکه کمیته سیاست‌گذاری پولی به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطح کلان در رابطه با ابزارها و ملزومات نظارتی خرد نیز شناخته شده است. همچنین این کمیته بر نوع استفاده از ابزارهای مختلف در مقابل اشخاص و بنگاه‌های خارج از نظارت بانک (در چارچوب ایجاد ثبات مالی) تصمیم‌گیری می‌کند. کمیته اجرایی ثبات مالی متشکل از مدیرعامل، قائم‌مقام‌های وی و ۳ نفر انتخاب‌شده توسط وزیر دارایی می‌باشد و براساس توصیه‌های هیئت مدیره بانک، کار بررسی مسائل مربوط به پیرامون بانک (نهادهای مالی مختلف) را عهده‌دار است.

کمیته سیاست‌گذاری پولی به‌عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در بانک است و بر این اساس توصیه‌هایی به کمیته سیاست‌گذاری ثبات مالی می‌کند. این توصیه‌ها درباره موضوعات مربوط به ثبات مالی شامل کمک به بنگاه‌های مالی تحت فشار در قالب ارائه نقدینگی و یا تجزیه آن در چارچوب‌های خاص تعریف شده می‌باشند.

به‌طورکلی، بر ارتباط مؤثر درباره مسائل مختلف ثبات مالی با سهامداران سیاستی کلیدی تأکید شده است. تجزیه و تحلیل‌های بانک در مورد سیاست‌های احتیاطی در سطح کلان از طریق کانال‌های مختلف به اطلاع سهامداران سیاستی می‌رسد. از سال ۲۰۰۷ بانک مرکزی مالزی اقدام به انتشار گزارش سالیانه درباره ثبات

مالی نموده است تا بدین ترتیب نتیجه نهایی ارزیابی‌های خود در این حوزه و منابع اصلی ایجاد ناپایداری در نظام مالی را به اطلاع عموم برساند. بانک از این طریق به دنبال ارتقاء آگاهی و درک عمومی دربارهٔ موارد مربوط به حفاظت سراسری و کامل از ثبات نظام مالی است، تا در صورت لزوم، اصلاحات لازم در رفتار با دیگران و بازارهای مشارکت‌کننده در نظام مالی انجام شود. (BNM BNM

Report, 2009: 50-52)

۳-۵. صنعت بیمه

نظارت بر فعالیت‌های بیمه در مالزی، برعهده بانک مرکزی این کشور است. دایره نظارت بیمه در بانک، نظارت بر شرکت‌های بیمه و شعبه‌های آنها و نمایندگان آنها را برعهده دارد. قانون بیمه به بانک مرکزی اختیار می‌دهد تا موضوعات مربوطه را مطابق موارد پیش‌بینی‌شده در مقررات بیمه‌ای تعیین کند. (حاجی‌بابایی، ۱۳۸۱)

تمام ارزیابی‌های مربوط به شرکت‌های بیمه در مسائل عمومی و مالی در قالب چارچوبی به نام EMAS انجام می‌شود. این اصطلاح ترکیبی از واژه‌های مختلف است که شامل این موارد می‌باشند: ظرفیت درآمدی^۱، کیفیت مدیریت^۲ کیفیت سرمایه و دارایی‌ها^۳ و بسندگی سرمایه‌ای^۴.

۱. قابلیت درآمدی: میزان درآمد شرکت‌های بیمه براساس سودهای پذیره‌نویسی و همین‌طور سودهای اعمال‌شده بررسی می‌شود. یک شرکت بیمه باید سود و درآمد معقولی داشته باشد تا بتواند ضمن برخورداری از ذخایر مطلوب در تأمین سودهای اعطاشده به مشتریان و همچنین مقابله با اثرات نامطلوب بازار موفق عمل کند.

۲. کیفیت مدیریت: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های چارچوب فوق عامل کیفیت مدیریت است. درحقیقت، موفقیت در این سیستم (به‌عنوان یک چهرهٔ کامل از شرکت‌های بیمه)، به نگرش استراتژیک و نحوهٔ مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه

1. Earning Capacity
2. Management Quality
3. Asset Quality
4. Solvency and Capital Adequacy



بستگی دارد. یک مدیریت موفق در سیستم بیمه، علاوه بر کیفیت‌های فوق به نحوه برنامه‌ریزی نیز بستگی دارد.

۳. کیفیت دارایی و سرمایه‌ای: این عامل به کیفیت نقدینگی و تنوع اوراق بهادار شرکت‌های بیمه اشاره دارد. یک شرکت بیمه ممکن است در معرض ریسک بالایی باشد، چنان‌که به‌عنوان مثال فقط در کمپانی‌ها و یا بخش‌های خاصی سرمایه‌گذاری کند و یا در بخش‌هایی با میزان بالای دارایی‌های غیرنقدی و یا مخاطره‌آمیز تمرکز و سرمایه‌گذاری کند.

۴. بسندگی سرمایه‌ای: وضعیت سرمایه‌ای مطلوب و قوی در یک شرکت بیمه نشان‌دهنده توان و قابلیت آن برای مقابله با شرایط نامطلوب اقتصادی است. علاوه بر این ملاکی برای ارزیابی توانمندی شرکت بیمه در اجرای تعهداتش در مقابل سهام‌داران است. (BNM Report, 1997: 21-22)

۴-۵. بنگاه‌های کوچک و متوسط

بر پایه بررسی یک جامعه آماری بزرگ در سال ۲۰۰۵ در مالزی، متشکل از ۵۵۲۸۸۴ کسب و کار، ۹۹/۲ درصد یا ۵۴۸۲۶۷ این کسب و کارها از نوع سرمایه‌های کوچک و متوسط و حدود ۸۰ درصد آن، یعنی ۴۳۵۳۰۰ مورد از آنها از نوع بنگاه‌های بسیار کوچک^۱ بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ۸۷ درصد از بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش خدمات، ۷/۲ درصد در بخش تولید و ۶/۲ درصد در کشاورزی فعال هستند.

بانک نگارا در آگوست سال ۲۰۰۴ اقدام به تأسیس مرکز هماهنگی برای صنایع کوچک و متوسط نمود. شورای ملی توسعه در صنایع کوچک و متوسط بالاترین سطح بدنه سیاست‌گذاری برای توسعه سرمایه‌های کوچک و متوسط می‌باشد.

این شورا متشکل از ۱۵ وزیر و چند نماینده از بنگاه‌های مختلف است. ریاست شورا برعهده نخست‌وزیر است و بانک مرکزی مالزی نقش دستیار آن را دارد. کارویژه این شورا ساختاربندی و هماهنگ‌سازی سیاست‌گذاری‌ها در تمام

1. Micro Enterprises

بخش‌ها است. علاوه بر این به ارزیابی و بررسی نحوه اجرای برنامه‌ها، توسط وزرا و بنگاه‌های مختلف می‌پردازد.

بانک مرکزی مالزی اقدامات بسیاری در زمینه توسعه این صنایع انجام داده است.

۱-۴-۵. تأسیس بانک مخصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط (۲۰۰۵)

خدمات این بانک شامل ارائه سرمایه‌های کاری، وام‌های مدت‌دار، خرید اجاره‌ای ماشین‌آلات، لیزینگ، حمایت‌های مالی قراردادی و ضمانت‌های بانکی است. بانک صنایع کوچک و متوسط خدمات مشاوره‌ای مالی، در قالب بیزینس، پلان و یا خدمات مختلف دیگر ارائه می‌دهد.

۲-۴-۵. ارائه خدمات مالی تجاری

حمایت مالی تجاری در قالب ارزش‌های مختلف^۱ و برنامه حمایت مالی غیرمستقیم از خدمات^۲ عنوان این برنامه‌ها هستند که در بانک‌های اسلامی و سایر بانک‌ها ارائه می‌شوند.

۳-۴-۵. تقویت ساختارها و اطلاعات آماری

برای نیل به این مقصود بانک مرکزی مالزی برنامه‌های زیر را اجرایی کرده است:

۱. توسعه استانداردهای مربوط به شاخص‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط؛
۲. آمارگیری‌های ساختارمند و در فواصل زمانی مشخص؛
۳. تأسیس مرکز اطلاعاتی آماری ملی بنگاه‌های کوچک و متوسط.

۴-۴-۵. انتشار اطلاعات جامع

۱. انتشار گزارش سالیانه بنگاه‌های کوچک و متوسط به منظور ارائه اطلاعات در مورد وضعیت آنها و همین‌طور برنامه‌های آینده برای توسعه بنگاه‌ها؛
۲. تأسیس پرتال سرمایه‌های کوچک و متوسط؛^۳

-
1. MCTF
 2. IEFS
 3. SMEs info



۳. تأسیس پرتال آموزشی توسعه منابع انسانی برای ایجاد اطلاعات آموزشی بنگاه‌ها.

فعالیت‌های بانک مرکزی مالزی در حوزه معاونت امور بنگاه‌های کوچک و متوسط در مرکزی تحت عنوان شرکت توسعه صنایع کوچک و متوسط^۱ تعریف شد. این نهاد، مسئول هماهنگی بین سیاست‌گذاری‌ها و همین‌طور اجرای برنامه‌ها در بخش‌های مختلف است.

۵-۴-۵. حمایت‌های مالی

منابع متنوعی برای تأمین مالی بنگاه‌ها در نظر گرفته شده است. این منابع از طریق بانک‌ها، بنگاه‌های مالی توسعه‌ای، کمپانی‌های لیزینگ و همین‌طور شرکت‌های با سرمایه‌های مخاطره‌آمیز تأمین می‌شوند.

بانک مرکزی مالزی مبالغ مخصوصی^۲ برای توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط تخصیص می‌دهد.

تلاش‌هایی برای افزایش دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی گسترده‌تر با تمرکز بر دو حوزه انجام می‌شود:

۱. تقویت زیرساخت‌های مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط؛
۲. افزایش و تقویت مشاوره‌های مالی.

۱-۵-۴-۵. تقویت زیرساخت‌های مالی

الف - توسعه پایدار مالیه خرد^۳

براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از سرشماری سال ۲۰۰۵ حدود ۸۰ درصد از صنایع کوچک و متوسط در مالزی جزء صنایع خرد هستند^۴ و اکثر آنها بر منابع مالی داخلی تکیه دارند.

در نتیجه تلاش‌های انجام گرفته برای ارتقاء رشد صنعت مالی خرد، ۹ بنگاه

1. SMIDEC
2. Special Funds
3. Microfinance Industry
4. Microfinance enterprise

مالی هم‌اینک خدمات مالی خُرد (تحت برنامه‌های بانک مرکزی) ارائه می‌دهند.

ب - اداره اعتباری سرمایه‌های کوچک و متوسط

این مرکز از جولای ۲۰۰۸ کار خود را به‌عنوان یک بانک اطلاعاتی اعتبارسنجی شروع کرد و از همکاری بنگاه‌های مالی و بخش اطلاعاتی مؤسسات وام‌دهنده به بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده کرد. این بنگاه‌ها و مؤسسات شامل: سیستم اطلاعاتی مرجع مرکز اعتبارسنجی^۱ و مرکز اطلاعات صنایع کوچک و متوسط، هستند.

۲-۵-۴-۵. تقویت خدمات مشاوره‌ای مالی

بانک مرکزی برای گسترش این نوع خدمات و سهولت دسترسی بنگاه‌ها، مرکزی تحت عنوان خط تلفنی بانک نگارا تشکیل داده است که خدمات مشاوره‌ای مالی را در بخش‌های زیر برای بنگاه‌ها ارائه می‌دهد:

۱. اطلاعات درباره منابع تأمین مالی بنگاه‌ها

۲. همیاری در تسهیل فرایندهای درخواست وام؛

۳. توصیه در مورد ملزومات مالی بنگاه‌ها و مشکلات مربوطه (BNM Report,

2009: 48-56; and, 2006: 10-16)

۵-۵. برنامه‌های ضد پولشویی و ضد فاینانس تروریسم^۲

قوانین و برنامه‌های ضد پولشویی در مالزی براساس استانداردهای جهانی موجود تهیه و تنظیم شده‌اند. کارویژه‌های مالی برای مقابله با پولشویی^۳،^۴ توصیه در مورد پولشویی و ۹ توصیه درباره تروریسم مالی^۴ در بردارنده این استانداردها هستند. در اوایل سال ۲۰۰۷، گروهی از ناظران آسیا پاسیفیک^۵، ارزیابی جامعی درباره مسائل پولشویی در مالزی انجام داده‌اند.

1. CCRIS
2. AML / CTF
3. FATF
4. FATF 40 Recommendation
5. APG



در رتبه‌بندی انجام‌شده، مالزی نسبت به ۲۴ مورد از استانداردهای جهانی، رتبه کاملاً مطیع، ۹ مورد رتبه مطیع و ۱۵ مورد رتبه نسبتاً مطیع را به دست آورده است. در ضمن در برابر یکی از این استانداردها به‌عنوان غیرمطیع شناخته شده است. برنامه‌های بانک مرکزی در راستای اجرای هرچه بهتر این برنامه‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. تأسیس کمیته ملی مشترک مقابله با پولشویی^۱ متشکل از ۱۳ وزارتخانه و آژانس دولتی و ارتقاء همکاری بین دولت و بخش خصوصی برای اجرای استانداردهای مقابله با پولشویی؛

۲. تربیت ناظران اجرایی با ارائه گواهینامه مخصوص^۲ برای نظارت بر بنگاه‌های مالی؛

۳. ارائه اصول و خطوط راهنما و ابلاغ به بنگاه‌های مالی مطابق با استانداردهای بین‌المللی؛

۴. ایجاد چارچوب‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مشارکت روزافزون. (BNM Report,2009:63-65)

۵-۶. سیستم‌های پرداخت

بانک نگارای مالزی ۳ نقش محوری در سیستم پرداخت مالزی دارد و به‌عنوان عامل، ناظر و تسهیل‌گر عمل می‌کند. (BNMReport,2004:218)

عمده فعالیت‌های بانک مرکزی مالزی در راستای ارتقاء کارایی را می‌توان در ایجاد و گسترش موارد زیر بیان کرد:

۱-۶-۵. سیستم الکترونیکی انتقال پول و اوراق قرضه^۳

این سیستم از جولای ۱۹۹۹ اجرایی شده است. ۲ نوع زیرسیستم تحت سیستم الکترونیکی انتقال پول و اوراق قرضه وجود دارد که شامل سیستم انتقال وجوه

-
1. NCC
 2. CFIs
 3. RENATAS

بین‌بانکی^۱ و سیستم انتقال اوراق قرضه^۲ است. در سال ۲۰۱۰ حدود ۳۱۵۲۷۰۰ معامله از طریق این سیستم انجام شد که ارزش آن برابر با ۳۹/۴ تریلیون رینگیت برآورد شده است.

۲-۶-۵. سیستم تهاتری چک‌های بانکی^۳

با توجه به اهمیت چک در سیستم پرداخت، بانک مرکزی مالزی برای افزایش کارایی سیستم‌های پردازش مربوطه، سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده است. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۵ به‌واسطه ارتقاء سیستم‌ها، زمان پردازش و رسیدگی کاهش یافته است.

۳-۶-۵. سیستم بین‌بانکی^۴

سیستم بین‌بانکی که به‌شکل وسیعی در بانک‌های تجاری قابل دسترسی است، پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به اصلی‌ترین ابزار سیستم پرداخت خرد دارد. این سیستم استفاده از چک را در مالزی کاهش داده است. در سال ۲۰۱۰، ۴۹۷۶۳۰۰۰ دادوستد از طریق این سیستم با ارزش نقدی ۱۲۶/۹ میلیارد رینگیت صورت گرفته است.

۴-۶-۵. شبکه عابربانک

در پایان سال ۲۰۰۴، ۵۵۶۵ دستگاه عابربانک در مالزی وجود داشت. از این میان بانک‌های داخلی ۴۰۹۸ دستگاه، بانک‌های اسلامی ۲۸۰ و بانک‌های خارجی فعال در مالزی ۳۲۷ دستگاه و بنگاه‌های مالی توسعه‌ای ۸۶۰ دستگاه عابربانک را در اختیار داشته‌اند.

۵-۶-۵. سیستم ارائه‌دهنده خدمات اینترنت بانک^۵

این سیستم در نظام بانکداری مالزی که به‌وسیله بانک مرکزی راه‌اندازی شده است،

1. IFTS
2. SSTS
3. SPICK
4. IBG
5. FPX



خدمات اینترنت بانک را به شهروندان ارائه می دهد.

در سال ۲۰۱۰ ارزش معاملات انجام شده از طریق اینترنت بانک به حدود ۴/۱ میلیارد رینگیت رسید (BNM Report, 2004: 218-224)

۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

براساس ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری، براساس سیاست اقتصادی کشور می باشد. مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون پولی و بانکی کشور وظایف و اختیارات بانک مرکزی را مورد توجه قرار داده است که مهم ترین آنها شامل موارد زیر هستند:

۱. انتشار اسکناس و سکه های فلزی رایج کشور؛
 ۲. نظارت بر بانک ها و مؤسسات اعتباری؛
 ۳. تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی؛
 ۴. نظارت بر معاملات طلا و تنظیم مقررات مربوط به آن؛
 ۵. نظارت بر بانک ها و مؤسسات اعتباری؛
 ۶. نگهداری حساب های وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی؛
 ۷. نگهداری کلیه ذخایر ارز و طلای کشور؛
 ۸. انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و مالی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و سایر کشورها.
- در ادامه به بررسی فعالیت های بانک مرکزی در حوزه های مختلف اقتصاد ایران می پردازیم و در نخستین گام اقدامات بانک در مقابله با فعالیت های پولشویی را مورد بررسی قرار می دهیم.

۶-۱. مقابله با پولشویی

اداره مبارزه با پولشویی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان واحد رسیدگی کننده مربوطه در این نهاد فعالیت می کند. «پس از تصویب آیین نامه اجرایی، بانک مرکزی برای جلوگیری از هرگونه موازی کاری و ناهماهنگی احتمالی، با تشکیل مدیریتی مستقل تحت عنوان «مدیریت مبارزه با پولشویی»، کلیه وظایف و مسئولیت های خود را در این زمینه به صورت متمرکز و تحت مدیریتی واحد به

انجام می‌رساند». (آیین‌نامه اجرایی مقابله با پولشویی، ۱۳۸۸)

بانک مرکزی در دی‌ماه ۱۳۸۸، آیین‌نامه اجرایی مبارزه با پولشویی را طی نامه‌ای به مدیران عامل بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت‌های دولتی پست‌بانک، مؤسسه اعتباری توسعه و مؤسسه اعتباری شهر در پانزده بند ابلاغ کرد.

بانک مرکزی به‌موجب آیین‌نامه اجرایی مقابله با پولشویی، در اجرای ماده ۲۸ ماده نقش ناظر، در اجرای ۸ ماده نقش ناظر مشمول و در ۲ ماده نقش مشمول را داراست. (۲)

علاوه بر اینها، بانک مرکزی ده دستورالعمل به مؤسسات مالی و اعتباری ابلاغ کرده است که از آن جمله می‌توان به دستورالعمل اجرایی نحوه گزارش واریز وجوه نقدی بیش از سقف مقرر، دستورالعمل رعایت مقررات مبارزه با پولشویی در حوزه نظام‌های پرداخت و بانکداری الکترونیکی، دستورالعمل شناسایی مبارزات مشکوک و شیوه گزارش دهی و دستورالعمل مدت و طرز نگهداری اوراق بازرگانی، اسناد و دفاتر بانک‌ها اشاره کرد.

خلاً قانونی در زمینه پولشویی در سال‌های گذشته و عدم شفافیت کافی اطلاعات مالی از یک سو و همچنین ارتباط پولشویی با اقتصاد زیرزمینی (که ذاتاً فاقد شفافیت است) از سوی دیگر، زمینه‌های نبود آمار دقیق این پدیده در ایران را فراهم کرده است. بر پایه پژوهش‌های محدود صورت گرفته در این زمینه حجم پول‌های کثیف (پول‌هایی که از فرایندهای غیرمشروع کسب می‌شوند) و اقتصاد زیرزمینی و در نتیجه پولشویی در سال‌های اخیر رشد صعودی داشته است.

در پژوهشی با عنوان «برآورد حجم پول‌های کثیف و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد ایران»، این نتیجه حاصل شده است که متأسفانه پولشویی در سال‌های پس از جنگ ایران و عراق افزایش چشمگیری داشته است. (خواجه‌وی، ۱۳۸۹)

مطالعات انجام شده درباره پول‌های نامشروع در اقتصاد ایران نشان‌دهنده آن است که بخش قابل ملاحظه‌ای از حجم نقدینگی موجود، مربوط به اقتصاد زیرزمینی در کشور است. بر این اساس، میانگین حجم پول‌های کثیف در طول سال‌های بین ۱۳۵۲-۱۳۸۰ معادل ۱۱/۸ درصد نسبت به حجم نقدینگی کل کشور است. (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۲)

جدول شماره (۱). رشد حجم پول‌های کتیف در ایران

سال	میلیارد ریال	رشد (درصد)
۱۳۵۲	۱۱۵	
۱۳۵۳	۱۴۷/۱	۳۷/۹
۱۳۵۴	۱۶۲/۸	۱۰/۷
۱۳۵۵	۲۱۹/۵	۳۴/۸
۱۳۵۶	۲۹۵/۶	۳۴/۶
۱۳۵۷	۲۸۱/۴	-۴/۸
۱۳۵۸	۳۱۹/۱	۱۳/۴
۱۳۵۹	۴۱۸/۶	۳۱/۲
۱۳۶۰	۵۰۶/۳	۲۰/۹
۱۳۶۱	۶۱۲/۲	۲۰/۹
۱۳۶۲	۷۲۲/۶	۱۸
۱۳۶۳	۷۸۳/۲	۸/۴
۱۳۶۴	۸۳۳/۸	۶/۳
۱۳۶۵	۱۱۳۰/۸	۳۵/۸
۱۳۶۶	۱۴۳۷/۳	۲۷/۱
۱۳۶۷	۱۸۶۴/۱	۳۹/۷
۱۳۶۸	۲۰۸۸/۴	۱۲
۱۳۶۹	۲۳۴۲/۸	۷/۴
۱۳۷۰	۳۰۵۸/۴	۳۶/۴
۱۳۷۱	۳۸۶۵/۴	۲۶/۴
۱۳۷۲	۴۶۶۳/۴	۲۰/۶
۱۳۷۳	۶۸۶۶/۳	۴۷/۲
۱۳۷۴	۱۱۲۶۰/۷	۶۴
۱۳۷۵	۱۳۰۰۷/۴	۱۵/۵

منبع: عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۲

۲-۶. نظام‌های پرداخت

در سال‌های اخیر با کاهش ارزش واقعی اسکناس در کشور، سهم این ابزار در حجم پول کاهش قابل توجهی داشته و پرداخت‌های مبتنی بر چک و چک‌های مسافرتی و تضمینی به نوعی جایگزین آن شده‌اند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که در دهه اخیر تراکنش‌های بانکی مربوط به سامانه‌های بانکداری الکترونیک، رشد قابل توجهی داشته است؛ ولی همچنان بخش عمده مبادلات بانکی از طریق ابزارهای سنتی صورت می‌پذیرد؛ به‌شکلی که در سال ۱۳۸۸ از مجموع تراکنش‌های غیرنقدی ۷۷/۲ درصد به‌وسیله چک‌های عادی، ۹/۷ درصد به‌وسیله انواع کارت‌های بانکی و ۱۳/۱ درصد از طریق سامانه سانتا انجام شده است.

مجموع اسکناس و مسکوکات در طول سال‌های برنامه چهارم به‌طور میانگین رشد ۳۳/۱ درصدی را تجربه کرده است، که البته بخشی از آن به‌دلیل سیاست‌های

دولت در افزایش نقدینگی می‌باشد.

ارزش کل تراکنش‌های الکترونیکی در شبکه بانکی کشور در سال ۱۳۸۸ به رقم ۱۵۵۵ میلیارد ریال رسید که رشد ۱۲۷/۹ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۷ را نشان داد. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱)

جدول شماره (۲). تعداد ابزارها و تجهیزات پرداخت الکترونیکی

رشد	متوسط تغییر سالانه (برنامه چهارم)					سال				
	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴
کارت بانکیها	۱۳۵۱۲	۲۳۴۳۸	۳۸۵۹۳	۶۰۰۷۸	۸۷۴۳۵	۷۸۰۳	۷۳۰۵	۶۴۰۷	۵۵۰۷	۴۵۰۵
خودپردازها	۴۴۵۸	۷۶۴۸	۹۹۱۷	۱۲۹۵۹	۱۷۱۳۳	۲۷۵۰۲	۲۷۵۰۲	۲۷۵۰۲	۲۷۵۰۲	۲۷۵۰۲
پایانه‌های فروش	۶۸۵۳۲	۱۹۲۷۶۵	۴۲۷۰۸۲	۷۶۴۹۳۸	۱۱۴۷۶۰۲	۱۸۱۰۳	۱۸۱۰۳	۱۲۱۰۶	۷۸۰۹	۵۰۰۲
پایانه های شعب	۱۱۲۶۸	۱۵۶۹۲	۲۱۷۰۷	۳۷۰۴۸	۳۱۸۵۳	۴۹۰۸	۳۹۰۳	۳۸۰۳	۲۴۰۶	۱۷۰۸

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)

۳-۶. صنعت بیمه

هدایت و نظارت بر صنعت بیمه در ایران برعهده بیمه مرکزی است. نتایج پژوهشی که در به بررسی رابطه میان توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران بین سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۲ پرداخته شده، نشانگر این مطلب است که نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی از ۰/۲۶ در سال ۱۳۳۸ به ۱/۱۶ در سال ۱۳۸۲ رسیده است؛ به شکلی که میانگین شاخص طی این سال‌ها معادل ۰/۴۳ درصد می‌باشد. (جعفری صمیمی، ۱۳۸۵)

آمارهای موجود و نتایج تحقیقات مشابه نشانگر رشد صنعت بیمه در ایران طی سال‌های اخیر در هر دو بخش دولتی و خصوصی می‌باشد.

۴-۶. صنایع کوچک و متوسط

اصل ۴۴ قانون اساسی بستر قانونی برای فعالیت کارآفرینان و توسعه صنایع کوچک و متوسط را فراهم کرده است. در همین چارچوب، در برنامه چهارم توسعه ضمن توجه به این موضوع، آیین‌نامه اجرایی لازم نیز تدوین شد.

براساس ماده سوم این آیین‌نامه، بانک مرکزی باید ترتیبی اتخاذ می‌کرد که در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه حداقل به میزان سهم‌های تعیین‌شده در جدول زیر از منابع اعتباری به طرح‌های بنگاه‌های کوچک موضوع این آیین‌نامه اختصاص

دهد. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

جدول شماره (۵). سهم‌های تعیین شده از منابع اعتباری به طرح‌های بنگاه‌های کوچک

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
درصد	۲۰	۳۵	۵۰	۵۰	۵۰

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اجرای این آیین‌نامه چندان موفقیت‌آمیز نبوده است؛ به‌شکلی که براساس اعلام سازمان بازرسی حدود ۶۰ درصد تسهیلات از مسیر اصلی خود منحرف شده‌اند که این آمار طبق اعلام بانک مرکزی حدود ۳۸ درصد بوده است. البته دولت نیز به عملکرد ناموفق این طرح و عدم تحقق شاخص‌های مورد پیش‌بینی برای اشتغال‌زایی اذعان داشته است.

عملکرد طرح‌های اجرا شده براساس آمار وزارت کار و امور اجتماعی روندی نزولی داشته است؛ به‌شکلی که در سال ۱۳۸۹ به کمترین میزان خود یعنی ۲۰ درصد آمارهای پیش‌بینی شده رسیده است. (روزنامه همشهری، ۱۳۹۱)

جدول شماره (۶). گزارش عملکرد شش‌ساله برنامه چهارم توسعه (۱۳۹۱)

ردیف	شاخص‌های عملکرد	تا پایان ۸۸	تا پایان ۸۹
۱	نسبت تسهیلات پیش‌بینی شده در طرح‌های معرفی شده به کل تسهیلات (درصد)	۲۰/۹۱	۲۲/۰۸
۲	نسبت قراردادهای منعقد شده به کل تسهیلات (درصد)	۴۹/۶۹	۵۲/۹۴
۳	نسبت مبلغ پرداخت شده به کل تسهیلات (درصد)	۴۴/۲۳	۴۷/۶۷
۴	میانگین تسهیلات پیش‌بینی شده در طرح‌های معرفی شده (میلیون ریال)	۹۱۲/۷۰	۹۴۴/۶۹
۵	میانگین تسهیلات پیش‌بینی شده به قراردادهای پیش‌بینی شده (میلیون ریال)	۴۰۵/۵۱	۴۲۵/۷۳
۶	سراجه اعتباری اشتغال در قراردادهای منعقد (میلیون ریال)	۱۴۶/۹۸	۱۵۰/۲۷
۷	میانگین اشتغال پیش‌بینی شده در طرح‌های معرفی شده (نفر)	۳/۲۷	۳/۲۸
۸	میانگین اشتغال پیش‌بینی شده در قراردادهای منعقد شده (نفر)	۲/۷۶	۲/۸۳
۹	میانگین اشتغال ایجاد شده در طرح‌های به بهره‌برداری رسیده (نفر)	۱/۵۴	۱/۵۷
۱۰	نسبت طرح‌های تأیید شده از سوی بانک به طرح‌های معرفی شده (درصد)	۶۰/۹۸	۶۰/۳۳
۱۱	نسبت قراردادهای منعقد شده به طرح‌های تأیید شده توسط بانک (درصد)	۸۷/۷۶	۸۷/۶۸
۱۲	نسبت طرح‌های به بهره‌برداری رسیده به طرح‌های تأیید شده (درصد)	۶۳/۰۹	۶۲/۴۱
۱۳	نسبت طرح‌های به بهره‌برداری رسیده به قراردادهای منعقد شده (درصد)	۷۲/۸۹	۷۱/۱۸
۱۴	اشتغال ایجاد شده به اشتغال پیش‌بینی شده در قراردادهای منعقد (درصد)	۴۰/۰۱	۳۹/۴۳

منبع: روزنامه همشهری، آذرماه ۱۳۹۱، به نقل از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برنامه مجزایی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط ندارد. البته در تخصیص منابع، توسط بانک‌های عامل به بخش صنعت و معدن و کشاورزی نظارت دارد و در چارچوب برنامه‌های تدوین شده، (از جمله آیین‌نامه ذکر شده) فعالیت می‌کند، ولی آنچه مشخص است، فاقد دستورکار و طرح

ویژه و خاصی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط می‌باشد.

۷. بررسی و مقایسه عملکرد بانک نگارای مالزی و بانک مرکزی ایران

پیش از مقایسه عملکرد بانک‌های مرکزی مالزی و جمهوری اسلامی ایران قوانین و اهداف و ابزارهای این دو نهاد را باید با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد.

در تعریف فعالیت‌های مربوط به بانک مرکزی پس از ۱۹۵۰ وظایف گسترده‌تری را برای آن در نظر می‌گیرند. در میان وظایف اولیه پیش از ۱۹۵۰، وظیفه نشر اسکناس به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین معیار شناخت یک بانک مرکزی قلمداد می‌شد، اما در شرایط بعدی این وظیفه سومین و آخرین وظیفه‌ای است که به بانک مرکزی محول می‌گردد. تفکرات جدید و برداشت‌های اخیر از مفاهیم مربوط به بانک مرکزی، این نهاد را بیش از آنکه مسئول نشر اسکناس بدانند، مأمور حفاظت از ارزش آن قلمداد می‌کنند. بر این پایه تعریف جدیدتری از وظایف بانک مرکزی نیز وجود دارد که عبارت است از:

۱. ناشر اسکناس و مدیریت ذخایر ارز خارجی؛

۲. بانکداری دولت؛

۳. بانکدار بانک‌ها؛

۴. تنظیم و نظارت بر مؤسسات مالی داخلی؛

مبحث نظارت بر مؤسسات مالی داخلی، موضوع جدیدتری نسبت به سایر وظایف بانک مرکزی است که در محدوده وظایف بانک‌های مدرن قرار دارد. این وظیفه بیشتر در راستای نیل به اهداف توسعه اقتصادی و سیاست‌های تعدیل و آزادسازی مالی مفهوم می‌یابد. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵)

براساس ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری کشور است و هدف آن حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.

براساس ماده ۱۳، بانک مرکزی از طریق اعطای وام و تسهیلات و اعتبار به مؤسسات، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها، خرید و فروش اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه صادرشده از سوی دولت‌های خارجی و مؤسسات مالی معتبر، خرید و فروش طلا و نقره، افتتاح حساب جاری نزد بانک‌های

خارج و انجام کلیه عملیات مجاز بانکی دیگر به انجام وظایف خود می‌پردازد. عوامل مهمی را در تفاوت‌های اساسی موجود در عملکرد بانک مرکزی مالزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌توان مورد بررسی قرار داد.

کلان‌ترین بحثی که در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد، تفاوت در فلسفه سیاسی نظام‌های حاکم در دو کشور است. رشد ۳۰ برابری درآمد سرانه کشور مالزی در چهار دهه اخیر و همچنین ساختارهای اقتصادی سیاسی حاکم بر مالزی، این کشور را در زمره دولت‌های توسعه‌گرا قرار می‌دهد که فلسفه‌ای متفاوت از نظام‌های لیبرالیستی یا سوسیالیستی و دولت‌های رفاه دارند.^(۳) طبیعتاً چنین تفاوتی موجب تمایز اساسی در نحوه شکل‌گیری نهادها، فلسفه وجودی و قوانین ناظر بر عملکرد آنها می‌گردد که بانک مرکزی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

میزان استقلال بانک مرکزی از دیگر نقاط تمایز بین این دو نهاد مالی است. بر پایه بسیاری از مطالعات تجربی صورت‌گرفته، بانک مرکزی مالزی به لحاظ استقلال در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرد، به‌شکلی که به‌عنوان مشاور مالی دولت مطرح می‌شود. از سوی دیگر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر پایه مطالعات تجربی صورت‌گرفته در رده‌های پایینی به لحاظ استقلال عملکرد قرار دارد. میزان کارآمدی سیاست‌های پولی، نوع و میزان تناسب بسترهای قانونی با مقتضیات زمانی، دوره تصدی ریاست بانک مرکزی و نقش بانک در کنترل نرخ تورم از مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که در مقایسه میزان استقلال بانک‌های مرکزی مورد توجه قرار می‌گیرد.^(۴)

تدوین سیاست‌های پولی در ایران با مشارکت دولت و بانک مرکزی تدوین می‌شود و از این حیث بانک مرکزی ایران وضعیت قابل قبولی دارد، ولی در صورت بروز اختلاف بین بانک مرکزی و دولت در نحوه استقراض دولت، وضعیت متفاوت خواهد بود و در این شرایط ایران حتی در رتبه‌های پایین‌تر از کشوری مانند هند قرار می‌گیرد. براساس نظام قانونی شکل‌گرفته در ایران، در صورت بروز اختلاف نظری میان بانک مرکزی و دولت در مورد ابعاد سیاست پولی، بانک مرکزی در مقابل دولت توان مقاومت نداشته و نظر دولت به‌عنوان تصمیم نهایی به اجرا درمی‌آید.

یکی دیگر از شاخص‌ها که از بعد قانونی در استقلال بانک مرکزی مؤثر خواهد بود، طول دوره تصدی ریاست بانک مرکزی است. مراجعه به قانون پولی و

بانکی کشور نشان می‌دهد که برای دوره تصدی ریاست بانک مرکزی، مدتی تعیین نشده است. آنچه به آن اشاره شد، بعد قانونی موضوع را نشان می‌دهد. بررسی موضوع از بعد عملی نیز این مطلب را تصریح می‌کند؛ به گونه‌ای که متوسط عمر ریاست بر این نهاد از زمان تأسیس حدود ۲/۷ سال بوده است.

مسئله دیگر در این حوزه، چارچوب‌های قانونی تشکیل‌دهنده فعالیت‌های بانک مرکزی است. از میان قوانین موجود، قانون نظام پولی و بانکی کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نخستین قانون پولی و بانکی کشور در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید. پس از گذشت ۱۲ سال این قانون مورد تجدیدنظر قرار گرفت و هم‌اکنون پس از گذشت ۴۰ سال همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر با وجود وقوع تحولات اساسی در نظام پولی جهان و صنعت بانکداری، ظهور پدیده‌های جدید و تغییر کارکردها، این قانون همچنان در کشورمان پایرجا بوده و مورد استناد قرار می‌گیرد. (عسکری آزاد، ۱۳۹۰)

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هر ساله اقدام به انتشار گزارش اقتصادی سالانه و ترازنامه مالی می‌کند که در آن بخش‌های مختلف اقتصادی به تفکیک و به لحاظ آماری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. علاوه بر این بانک اقدام به انتشار نشریات و مجله‌های آماری می‌نماید که همه این موارد در سایت این بانک در اختیار عموم قرار می‌گیرند.

طول دوره تصدی بانک مرکزی مالزی نیز عدد ثابتی را نشان نمی‌دهد، ولی از سال ۱۹۵۹ (زمان شکل‌گیری) فقط ریاست ۷ نفر را تجربه کرده است که متوسط عمر آنها را حدود ۷/۴ سال بوده است که این رقم حدود ۲/۵ برابر عمر ریاست بر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

قانون بانک مرکزی مالزی که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان قانونی این نهاد شناخته می‌شود، پس از تصویب در سال ۱۹۵۸ در سال ۲۰۰۹ مورد بازنگری اساسی قرار گرفته و پس از آن مبنای عملکرد این نهاد قرار گرفته است.

در مورد سیاست‌گذاری‌های پولی، بانک مرکزی مالزی به‌شکل مستقل عمل می‌کند و از این لحاظ وضعیتی مشابه با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارد، ولی در صورت بروز اختلاف بین بانک و دولت سازوکار خاصی در نظر گرفته شده است که استقلال بانک را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد و از این نظر درجه بالاتری از استقلال را تجربه می‌کند. در صورت بروز اختلاف بین بانک مرکزی و وزارت دارایی در مورد

سیاست‌های مهم، مکانیسم‌های قانونی خاصی در نظر گرفته شده است. در صورتی که اختلافات حل نشود، موضوع مورد اختلاف به کابینه محول می‌شود تا سیاست‌های مطابق با ساختار بانک تدوین شود و در نهایت در صورت پابرجا بودن مشکل، مسئله مورد بحث به مجلس نمایندگان می‌رود تا در آنجا مورد بررسی قرار گیرد.

بانک مرکزی مالزی از نظر میزان پاسخ‌گویی در وضعیت بهتری نسبت به بانک مرکزی ایران قرار دارد؛ به شکلی که براساس قانون گزارش مالی سالیانه بانک حداکثر سه ماه از پایان سال مالی باید به پارلمان و وزیر دارایی ارائه گردد. بانک نگارا هر دو هفته باید گزارشی از میزان دیون و دارایی‌ها به وزیر دارایی ارائه کند. این گزارش‌ها در همین زمان هم در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار می‌گیرند.

گزارش سیاست‌گذاری پولی^۱ کانال اصلی برای اطلاع‌رسانی مطلوب در مورد سیاست‌های پولی بانک مرکزی است. گزارش سیاست‌گذاری پولی نه تنها به سیاست‌های پولی بلکه به سایر عملکردها و ارزیابی‌های بانک در مورد مسائل سیاستی از جمله تورم نیز می‌پردازد.

نخستین گزارش در ۲۷ آگوست ۲۰۰۳ منتشر شد و پس از آن هر ۳ ماه یک‌بار هم‌زمان با ارائه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از سوی بانک، انتشار می‌یافت. از سال ۲۰۰۶، این گزارش پس از هر جلسه کمیته سیاست‌گذاری پولی^۲ منتشر شده است.

هم‌زمان با انتظار گزارش سیاست‌گذاری پولی نهایی در پایان سال، جدول زمان‌بندی جلسات کمیته سیاست‌گذاری پولی، برای سال آینده نیز منتشر می‌شود. بانک مرکزی مالزی علاوه بر اینها، در ماه مارس هر سال، گزارش سالیانه مالی خود را ارائه می‌دهد. گزارش سالیانه علاوه بر تشریح وضعیت اقتصادی و مالی سال گذشته مشتمل بر پیش‌بینی بانک درباره نرخ تورم، رشد اقتصادی چشم‌انداز سیاست‌گذاری‌های پولی و همچنین تعادل ریسک رشد اقتصادی و ثبات قیمت‌ها در سال آینده نیز می‌باشد.

هر ۳ ماه یک‌بار بولتنی چاپ می‌شود که موارد مربوط به رشد و توسعه اقتصادی را ثبت می‌کند و در عین حال بولتن ماهیانه آمارهای مربوط به نظام مالی و اقتصادی مالزی نیز منتشر می‌گردد و نسخه‌های الکترونیکی آنها، در وب‌سایت

1. MPS
2. MPC

بانک مرکزی مالزی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. (BNM Report, 2008:91-93)

به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت‌های ساختاری و قانونی موجود و تفاوت در نوع عملکردها بین بانک مرکزی مالزی و بانک مرکزی ایران، نهاد اخیر سیاست‌گذاری پولی و ارزی را در رأس برنامه‌های خود قرار داده و چندان تمایلی به حضور در حوزه‌های خرد و سیاست‌گذارانه ندارد، به نحوی که در چارچوب‌های قانونی تدوین شده به دنبال مواردی از جمله کنترل نرخ تورم، تعیین نرخ ارز و مواردی از این قبیل می‌باشد که البته در این مسیر نیز با چالش‌های جدی مواجه است.

جدول شماره (۷). مقایسه عملکرد بانک نگارای مالزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فعالیت‌های انجام شده	بانک مرکزی مالزی	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۱. مقابله با پولشویی	۱. تأسیس کمیته ملی مشترک مقابله با پولشویی متشکل از ۱۳ وزارتخانه و آژانس دولتی و ارتقاء همکاری بین دولت و بخش خصوصی برای اجرای استانداردهای مقابله با پولشویی ۲. تربیت ناظران اجرایی با ارائه گواهینامه مخصوص برای نظارت در بنگاه‌های مالی ۳. ارائه اصول و خطوط راهنما و ابلاغ به بنگاه‌های مالی مطابق با استانداردهای بین‌المللی ۴. ایجاد چارچوب‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مشارکت روزافزون.	۱. تأسیس اداره مبارزه با پولشویی ۲. تصویب و ابلاغ این‌نامه مبارزه با پولشویی در ۱۵ بند ۳. تصویب و ابلاغ ۱۰ دستورالعمل برای مقابله با پولشویی
۲. توسعه نظام‌های پرداخت	۱. ایجاد سیستم الکترونیکی پول و اوراق قرضه ۲. سیستم تهاتری چک‌های بانکی ۳. سیستم انتقال بین‌بانکی ۴. گسترش شبکه عابربانک ۵. گسترش خدمات اینترنت‌بانک	۱. راهاندازی سامانه تبادل و تصفیه پرداخت‌های خرد، شتاب ۲. ایجاد سامانه تسویه و پرداخت‌های کلان از طریق سامانه تسویه ناخالص آنی، ساتا ۳. ایجاد سامانه‌های تبادل و تصفیه پرداخت‌های خرد، پایا ۴. معرفی سامانه تأمین نقدینگی، تبا، به‌منظور انتشار، ثبت و تسویه اوراق مشارک و گواهی سپرده ۵. معرفی سامانه امنیتی، به‌عنوان زیرساخت اصلی بانکداری اینترنتی و بانکداری مجازی کشور
۳. توسعه صنعت بیمه	ایجاد دایره نظارت بیمه‌ای برای نظارت بر صنعت بیمه نظارت بر صنعت بیمه در چارچوب EMAS تأسیس و نظارت بر سیستم بیمه سپرده‌ها تأسیس و نظارت بر سیستم محافظتی	هدایت و نظارت بر صنعت بیمه در ایران برعهده بیمه مرکزی است.
۴. توسعه صنایع کوچک و متوسط	۱. تأسیس مرکز هماهنگی برای سرمایه‌های کوچک و متوسط ۲. تأسیس بانک مخصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط ۳-ارائه خدمات مالی، تجاری برای این صنایع ۴. تقویت دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی ۵. تقویت ساختارها و اطلاعات آماري ۶. تقویت زیرساخت‌های مالی شامل: الف - توسعه پایدار مالیه خرد ب - تأسیس اداره اعتباری سرمایه‌های کوچک و متوسط ج - سامان‌دهی قروض بنگاه‌ها ۷. تقویت خدمات مشاوره‌ای مالی	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برنامه مجزایی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط ندارد.
۵. آموزش و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان	۱. در این راستا دپارتمان هدایت بازار و مصرف‌کننده در بانک تأسیس شده است. ۲. به‌منظور حل اختلافات بین نهادهای مالی و مصرف‌کنندگان در موارد خاص اداره میانجیگری مالی تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کند. ۳. اجرای برنامه‌ای تحت عنوان برنامه آموزشی مصرف‌کنندگان تعیین گروه‌های هدف از جمله دانش‌آموزان، زنان خانه‌دار، جوانان و بازنشستگان و اجرای دوره‌های آموزشی مختلف برای آنها با همکاری مؤسسات مالی، که به‌منظور هماهنگی‌های بیشتر در این زمینه کمیته کاری آموزش مالی در بانک مرکزی تأسیس شده است. ۴. تأسیس وب‌سایت‌های آموزشی و انتشار کتابچه و مقاله در آن به زبان‌های محلی و انگلیسی. ۵. تأسیس آژانس مدیریت قرض و مشاوره مالی. ۶. تأسیس خطوط ارتباطی بانک به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات آنها	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برنامه ویژه‌ای برای این بخش ندارد.

نتیجه‌گیری

زمانی که نظام اقتصادی را به شکل یکپارچه و درعین حال با مجموعه‌ای از عوامل و متغیرهای وابسته به یکدیگر تصور می‌کنیم، مفهوم ثبات مالی تبلور بیشتری در ذهن ما خواهد داشت.

ثبات مالی حلقه‌های زنجیر نظام اقتصادی را به یکدیگر متصل و از فروپاشی آن جلوگیری می‌کند. هر اندازه ثبات مالی در یک سیستم اقتصادی بیشتر باشد، به همان نسبت توانمندی‌های آن نظام در دستیابی به اهدافش بیشتر خواهد بود.

کارکردهای این مفهوم در هر سیستم با توجه به اهدافش، متفاوت خواهد بود. طبیعتاً یک نظام در حال رشد، تعمیق و گسترش نظام مالی به منظور افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی (گسترش نظام مالی بانکی و بنگاه‌های مالی غیربانکی)، اشتغال‌زایی بالا و افزایش صادرات (توسعه صنایع کوچک و متوسط)، افزایش امنیت نظام مالی و ثبات اقتصادی شهروندان (توسعه بیمه و مقابله با پولشویی)، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و آموزش عموم مردم و بنگاه‌های مالی و افزایش سرعت و امنیت و کارایی جریان مالی (بهبود و توسعه نظام‌های پرداخت) را به عنوان اهداف اصلی خود تعریف می‌کند.

وجود مراکز متعدد که در سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان در حوزه ثبات مالی نقش‌آفرینی کنند، فرایند چرخه سیاست‌گذاری را دچار اختلال خواهد کرد.

بنابر این در کشورهای در حال رشد وجود یک مرکز واحد و مستقل که توانمندی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر نهادهای مالی و کلیه عوامل تأثیرگذار بر ثبات مالی را دارا باشد یک امر حیاتی است. بانک مرکزی مالزی به عنوان مرکز فرماندهی مالی در این کشور ایفای نقش می‌کند. در حوزه صنعت بیمه ضمن نظارت کامل بر فعالیت این بخش، با راه‌اندازی و نظارت سیستم بیمه سپرده‌ها و همچنین سیستم محافظتی بیمه و تکافل نقش زیادی در ثبات مالی بخش‌های مختلف اقتصادی داشته است. در قالب برنامه بیمه سپرده‌ها و سیستم محافظتی بیمه و تکافل ضمن حمایت از حقوق سپرده‌گذاران در برابر بنگاه‌های متزلزل از این نهادها نیز حمایت‌های لازم را در چارچوب مواد قانونی مشخص فراهم می‌آورد.

صنایع کوچک و متوسط مالزی از اصلی‌ترین بخش‌های اقتصادی این کشور است که با اتکا به کاربری و بهره‌وری بالا نقش بسیار مهمی در توسعه صادرات و درعین حال اشتغال‌زایی این کشور داشته است. بانک مرکزی مالزی با سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف این بخش از نظام اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های مالی و آماری مرتبط زمینه‌های لازم برای توسعه این صنایع را ایجاد کرده است.

مقابله با پولشویی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و براساس برنامه‌های بانک نگارا، مالزی را در زمره کشورهای پیشرو در این بخش قرار داده است. برنامه‌های مختلف بانک نگارا در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و همچنین آموزش آنها، زمینه‌های ثبات در بخش خانگی در نظام مالی این کشور را به وجود آورده است.

گسترش و تنوع در نظام‌های پرداخت به‌ویژه در دو دهه اخیر از دیگر عوامل تأثیرگذار بر ثبات مالی این کشور بوده است.

مهم‌ترین نکته‌ای که در مقایسه عملکرد بانک‌های مرکزی مالزی و جمهوری اسلامی ایران باید مدنظر داشت، وجود تفاوت در اهداف، قوانین و ابزارهای این دو نهاد است.

آنچه از بررسی قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حاصل می‌شود، مؤید این مطلب است که فلسفه شکل‌گیری و فعالیت‌های آن متفاوت از فعالیت‌های برخی از کشورهای در حال توسعه از جمله مالزی است؛ به‌گونه‌ای که این قوانین در حوزه‌های خرد چندان ورود پیدا نمی‌کنند و به فعالیت‌های کلان و حداقلی مربوط به بانک مرکزی اکتفا می‌کنند.

چنین موقعیتی حوزه کمتری از اختیارات و ابزارها را در اختیار بانک مرکزی برای حفظ و ارتقای توسعه و ثبات مالی قرار می‌دهد. هرچند در یک دهه اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با گسترش نظام‌های پرداخت و برنامه‌ریزی مقطعی در حوزه صنایع کوچک و متوسط نقش پررنگ‌تری در این بخش برعهده گرفته است.

یادداشت‌ها

۱. برای آشنایی با این روش‌ها ر. ک. : تجزیه و تحلیل سیاست اجتماعی، ترجمه فاضل، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. : ماهنامه پیام بانک، شماره ۴۹۵، (۱۳۸۸)، ۷۰-۷۳.
۳. برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه افشار کهن، انتشارات نی نگار.
۴. برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: بررسی درجه استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سایر کشورها، عسکری آزاد، فصلنامه دانش ارزیابی.

Archive of SID

منابع

الف - فارسی

- آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی. ۱۳۸۸.
- اکبرنژاد، مهدی ۱۳۸۷. «پولشویی»، *ماهنامه توسعه صادرات*، صص ۴۶-۴۸.
- بانکداری مرکزی در ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۵.
- «بنگاه‌های زودبازده و آرزوهای بر باد رفته». ۱۳۹۱. *روزنامه همشهری*، آذرماه.
- توسعه مالی و رشد اقتصادی (مجموعه مقالات). ۱۳۸۹. ترجمه ناهید پوررستمی و محمود مشهدی احمد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری صمیمی، احمد و ابراهیم کاردگر، ابراهیم. ۱۳۸۵. «آیا توسعه بیمه به رشد اقتصادی کمک می‌کند؟»: (تجزیه و تحلیل اقتصاد ایران ۱۳۳۸-۱۳۸۲)، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره ۲.
- خواجوی، ملیحه و ابراهیم رضایی. ۱۳۸۹. «برآورد پول‌های کثیف و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد ایران: رهیافت آزمون کرانه‌ها»، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۸۱-۹۹.
- عرب‌مازار یزدی، علی و لیلا خودکاری. ۱۳۸۲. «برآورد حجم پول‌های کثیف در ایران»، *پژوهشنامه اقتصادی*، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- عسکری آزاد، حمید. ۱۳۹۰. «بررسی درجه استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سایر کشورها»، *دانش ارزیابی*، سال سوم، شماره ۷، صص ۷۱۱-۱۲۰.
- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۱.
- لفت ویج، آدریان. ۱۳۸۵. *دولت‌های توسعه‌گرا*، ترجمه جواد افشارکهن، تهران: انتشارات نی نگار، چاپ اول.
- مجموعه دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- مجموعه قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- موثقی، سید احمد. ۱۳۸۷. *اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه‌نیافتگی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- نقش بانک مرکزی در بانکداری الکترونیکی و نظام جامع پرداخت مأموریت، راهبردها و برنامه‌ها، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۰.



«وظایف و تعهدات بانک مرکزی به موجب آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی».
۱۳۸۸. ماهنامه پیام بانک، شماره ۴۹۵، صص ۷۳-۷۰.

ب - انگلیسی

- Ang, J.B. 2008. "What are the Mechanism Linking Financial Development and Economic Growth in Malaysia", **Economic Modelling**, No25, pp.38-53.
- Beck, T.; A.D. Kunt; and R. Levine. 2005. "SMEs, Growth, and Poverty: Cross-Country Evidence", **Journal of Economic Growth** 10, pp. 199-229.
- Ching, K.S.; M. Kogid; and F. Furuoka. 2010. "Casual Relation between Life Insurance Funds and Economic Growth: Evidence from Malaysia", **ASEAN Economic Bulletin** 27, No2, pp.185-199.
- Development of Small and Medium Enterprises. 2006. The Central Bank of Malaysia's Financial Stability and Payment System report, p.10.
- Establishment of Credit Counselling and Debt Management Agency. The Central Bank of Malaysia's Financial Stability and Payment System report. 2006. Pp.129-130.
- Forquni, H., and R. Mulyani. 2009. "Islamic Banking and Economic Growth: Empirical Evidence from Malaysia", **Journal of Economic Cooperation and Development** 30, No.2, pp.59-74.
- Han, L.; Li; and Y. Tian. 2010. "Insurance Development and Economic Growth", **The International Association for the study of Insurance Economics: The Geneva Papers** 35, pp.183-199.
- Hashim, M.K. 2000. "A Proposed Strategic Framework for SMEs Success", **Malaysian Management Review**, pp.32-43.
- Introduction of Takafu and Insurance Benefits Protection System in Malaysia. The Central Bank of Malaysia's Financial Stability and Payment System Report. 2010. P.49.
- Islam, M.A. and J.B. Osman. 2005. "Development Impact of Non-Bank Financial Intermediaries on Economic Growth in Malaysia: An Empirical Investigation", **International Journal of Business and Social Science** 2, No14, pp.187-197.
- King, R.G., R. Levine. 1993. "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right", **Quarterly Journal of Economics** 108, No. 3, pp.717-737.
- Kogid, M.; D. Mullok; L.F.Y. Beatrice; and K. Mansur. 2010. "Determinant Factors of Economic Growth in Malaysia: Multivariate Cointegration and Casualty

- Analysis", *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 24, pp.123-137.
- Macroprudential Approach to Financial Surveillance and Regulation in Malaysia. The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report. 2009. Pp.50-52.
- Malaysia's Anti Money Landering/ Counter Financing of Terrorism (AML/CTF) Programme. The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report. 2009. pp.63-65.
- Malaysia's Microfinance Framework. The Central Bank of Malaysia's Financial Stability and Payment System Report. 2009. pp.56-57.
- Market Conduct and Consumer Capability. The Central Bank of Malaysia's Financial Stability and Payment System Report. 2006. pp.61:64.
- Mc Kinnon, R.I. 1973. *Money and Capital in Economic Development*, Washington, D.C: Brooking Institution.
- Monetary Policy Communication in Malaysia. The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report. 2008. pp.91-93.
- Monetary Policy Process under the Central Bank of Malaysia ACT 2009. 2009. The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report, p.77.
- Safeguarding Financial Stability under the Central Bank of Malaysia. 2008. The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report, pp.91-93.
- Shaw ,E.S. 1973. *Financial Deepening in Economic Development*, Oxford University Press.
- Skipper, J.R.H. 1997. "Foreign Insurers in Emerging Markets: Issues and Occasions ". Center of Risk Management and Insurance", *Occasional Papers 97-92*.
- Supervision of the Insurance Industry, The Central Bank of Malaysia's Annual Report. 1997. pp.21-22.
- The Central Bank of Malaysia Act 2009. 2009. The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report, pp.105-108.
- The Deposit Insurance System in Malaysia, The Central Bank of Malaysia 's Financial Stability and Payment System Report. 2006. pp.126-128.
- The Payment and Settlement System. 2004. Central Bank of Malaysia's Financial Stability and Payment System Report pp.218-224.